



کنند و کاوی آرایه تلمیح

چکیده

تلمیح آرایه‌ای است که در سراسر جغرافیای ادبیات ایران، اعم از شعر و نثر، انعکاس گسترده‌ای دارد و همواره برای علاقه‌مندان پلی ارتباطی میان حال و گذشته بوده و ضمنا به سان آینه‌ای است که خوانندگان، گذشته‌ی غبارآلود و خاطرات مه‌گرفته‌شان را در آن می‌بینند. این مقاله بر آن است که با حفظ تعاریف سنتی تلمیح، نگاهی تازه‌تر بدان اندازد تا بلکه از این رهگذر، ره‌توشه‌ای برای سفر به قلمرو چشم‌های نوین فراهم کند.

محسن اعلا

کارشناس زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های نور

کلید واژه‌ها:

تلمیح و اهداف آن، خاستگاه تلمیح، تلمیح در شعر معاصر، انواع تلمیح، عوامل گوناگون ایجاد تلمیح، عوامل وضوح تلمیح.

شعر هم مانند هر هنر دیگری برای برقراری ارتباط با مخاطبان خود، نیازمند فنون و ابزارهایی است که یکی از آن‌ها تلمیح نام دارد.

بر ماجرای خسرو و شیرین قلم کشد

شوری که در میان من است و میان دوست (سعدی)

تلمیح مصدر باب تفعیل و از ریشه‌ی لَمَح است که در لغت به معنی اشاره کردن، آشکار ساختن و به گوشه‌ی چشم به چیزی گریستن است. این آرایه‌ی معنوی در محدوده‌ی علم بدیع (Rhetoric) قرار می‌گیرد که اهل فن آن را چنین تعریف می‌کنند: «تلمیح آن است که شاعر یا نویسنده در ضمن سخن خود، به قصه و داستان، آیه و حدیث، واقعه، شرح حال مشخص، مثل و شعری مشهور اشاره کند.» (وحیدیان کامیار: ۶۷)

گَرَش ببینی و دست از ترنج بشناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را (سعدی)
با توجه به این تعریف، لازمه‌ی دریافت مفهوم بیتی که ساختار تلمیحی دارد، این است که شنونده و خواننده از قبل با اصل داستان، افسانه، حدیث و... آشنایی داشته باشد.

نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند

نه هر که آینه سازد سکندری داند (حافظ)
گاه تلمیح از یک طرف با ارسال المثل، اشاره، اقتباس (عقد و درج)، ترجمه، تضمین و حل، تشابهات و تناسباتی پیدامی‌کند

که در تشخیص و تفکیک آن‌ها باید دقت کافی داشت. روزگاری است که بی‌پای‌ملخ، نزدیکان مور را راه سخن پیش سلیمان ندهند (صائب) ناگفته نماند که اگر شاعر در ضمن سخنش، تلمیح را دستاویزی برای بیان خواسته‌های خود قرار دهد، اهداف و اغراضی در سر دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

(الف) رعایت ایجاز و اصل اقتصاد کلام: طبعاً یکی از شگردهای مؤثر در کلام آن است که شاعر معانی بسیار را در قالبی کوتاه و کلامی فشرده عرضه کند.

(ب) تشبیه و همانندسازی: یکی از هدف‌های مهم در به‌کارگیری تلمیح آن است که شاعر میان خود و شخصیت‌های تلمیح تشابهات و تناسباتی ایجاد کند. یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود (حافظ)

(پ) ایجاد خیال‌انگیزی: تلمیح از آن‌جا که ذهن خواننده و شنونده را از زمان حال به گذشته سوق می‌دهد، موجب خیال‌انگیزی در ذهن او می‌شود. به عبارت دیگر، شاعر به یاری آرایه‌ی تلمیح میان حال و گذشته پلی می‌زند و خواننده‌اش را از آن می‌گذراند: شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد که چند سال به جان خدمت شعیب کند (حافظ)

(ت) استحکام و استواری کلام: شاعر با رعایت تناسباتی که میان واژه‌های تلمیحی وجود دارد، زمینه‌ی استحکام کلامش را فراهم می‌کند. پیراهنی که آید از او بوی یوسفم ترسم برادران غیورش قبا کنند (حافظ)

(ث) حسی و تصویری کردن شعر: گاه شاعر موضوعی انتزاعی و ذهنی را در شعر مطرح می‌کند که دریافت آن برای خواننده دشوار به نظر می‌رسد؛ بنابراین، به یاری تلمیح آن موضوع ذهنی را برای مخاطب خود محسوس و ملموس می‌کند و به آن جنبه‌ی دیداری می‌دهد. گر مرید راه عشقی فکر بدنای مکن شیخ صنعان خرقة رهن خانه‌ی خمار داشت (حافظ)

(ج) بزرگ‌نمایی و اغراق: گاه بعضی از موضوعات، آن‌چنان

بزرگ و برجسته به چشم نمی‌آیند که توجه خواننده را به خود جلب کنند. از این‌رو شاعر با استفاده از تلمیح موضوع مورد نظر را در نظر خواننده بزرگ (آگراندیسمان) جلوه می‌دهد و او را وادار به پذیرش آن می‌کند و در نتیجه، با اغراق و بزرگ‌نمایی باعث شگفتی در خواننده و التذاذ او می‌شود.

(چ) تأثیرگذاری بر مخاطب: بی‌تردید شعری که حاوی تلمیح باشد، بر مخاطب خود تأثیر شگرف و فراوانی می‌گذارد؛ زیرا ذهن او را درگیر خود می‌کند و مخاطب را به تأمل وامی‌دارد و سپس کشف حاصل از این تعمق، سبب التذاذ هنری می‌شود. لاف مزین سعدیا شعر تو خود سحرگیر سحر نخواهد خرید غمزه‌ی جادوی دوست (سعدی)

(ح) ایجاد زیبایی در سخن: تلمیح در شعر و نثر به زیبایی کلام می‌افزاید. بنابر آن چه پیش از این در تعریف تلمیح گفتیم، این آرایه شامل اجزایی مانند حدیث، آیه، مَثَل، داستان و... است که برای هر یک مثالی می‌زنیم.

۱. اشاره به مَثَلی مشهور (مَثَل سائره):

حال من بنده در ممالک هست

مَثَل یخ فروش نیشابور

از حسد فتح تو، خصم تو پی کرد اسب

هم‌چو جُحی کز خدوک چرخه‌ی مادر شکست

۲. اشاره به حدیث معروف:

این پذیرفتن بماندی زان دگر

که محب از ضدّ محبوب است کر

اشاره به حدیث نبوی (حُبُّكَ الشَّيْءُ يَغْمِي وَ يُصِّمُ)

یعنی دوستی چیزی، انسان را کور و کر می‌کند.

۳. اشاره به داستان معروف:

شب تار است و ره وادی ایمن در پیش

آتش طور کجا موعده دیدار کجاست

۴. اشاره به آیه‌ی مشهور:

صد رهت لَنْ تَرَانِي أَرْ غَوِيْد

باز می‌دار دیده بر دیدار

که اشاره دارد به آیه‌ی ۱۴۳ از سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف.

۵. اشاره به شعر شاعر دیگر:

شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

غنیمت است دَمی روی دوستان بینی (سعدی)

که اشاره به این بیت فردوسی است:

ازین پنج شبن روی رغبت متاب

شب و شاهد و شمع و شهد و شراب

تلمیح مصدر
باب تفعیل و
از ریشه‌ی لَمَحَ
است که در
لغت به معنی
اشاره کردن،
آشکار ساختن
و به گوشه‌ی
چشم به چیزی
گریستن است

کارکرد عمده‌ی
تلمیح
جدید، غنی‌تر
کردن تلمیحات
شعر فارسی
و افزودن
به دایره‌ی
تلمیحات شعر
سنتی است

با نگاهی کلی به مسیر تحول و دگرگونی تلمیح از گذشته تا به امروز در می‌یابیم که این آرایه از صورت و شکل اولیه‌ی خود فاصله گرفته و در شعر معاصر با چهره‌ای نو نمایانده شده است. البته این بدان معنا نیست که تلمیح سنتی در شعر امروز بازتابی ندارد بلکه با دو ساخت سنتی و امروزی تجلی می‌یابد: از این رو، مادر این‌جا تلمیح را گسترده‌تر از معنای سنتی آن در نظر می‌گیریم

همواره جایگاه تلمیح را در بدیع دانسته‌اند اما نباید نسبت به ژرف ساخت آن بی‌اعتنا بود. از آن رو که میان کلام و تلمیحی که در آن به کار رفته است، معمولاً تشبیهی وجود دارد (تشبیه مضمّر و غالباً تشبیه مرکب به مرکب). بنابراین، آرایه‌ی مزبور را می‌توان در قلمرو بیان نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

در این‌جا یادآوری این نکته نیز ضروری است که همیشه میان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی تلمیح، آرایه‌ی مراعات نظیر (تناسب) هم مشاهده می‌شود؛ بنابراین، اساس تلمیح بر تشبیه و تناسب استوار است. مثال: یارب این آتش که بر جان من است سرد کن آن سان که کردی بر خلیل آمیختگی تلمیح و مراعات نظیر در بیت یاد شده: آتش، سرد کن، حضرت ابراهیم، خلیل‌الله. حافظ در بیت بالا خود و آتش عشقش را به آتش و حضرت ابراهیم مانند کرده است.

رستمی باید که پیشانی کند با دیو نفس گر بر او غالب شویم افراسیاب افکنده‌ایم (معزی) در تلمیح دست کم باید دو جزء از مثل، حدیث یا داستان در شعر ذکر شود. معمولاً تناسب میان اجزای تلمیح در شعر مشخص است اما گاه روابط و تناسب تشبیه میان مطلب و آن داستان چندان واضح و آشکار نیست و فهم رابطه‌ی تشبیهی میان اجزای تلمیح به تأمل و تعمق بیش‌تری نیاز دارد.

آه! اسفندیار مغموم تو را آن به که چشم فرو پوشیده باشی (شاملو)

«منتقدان غربی با توجه به موضوع تلمیح، چهار قسم برای آن برشمرده‌اند:

۱. اشاره به اشخاص و حوادث: بهشت گم‌شده از میلتون
۲. اشاره به زندگی شخصی، یا نام خود گوینده که در فارسی استشهد می‌نامند: شعر جان دان.
۳. تلمیح استعاری: اشعار تی. اس. الیوت.
۴. تلمیح تقلیدی: شعر لندن ساموئل جانسن.»

(داد، ۱۳۸۵: ۸۷)

با توجه به خاستگاه و منشأ تاریخی تلمیح، می‌توان تقسیم‌بندی‌های زیر را برای آن قائل شد:

الف) تلمیحات اسلامی: مربوط به فرهنگ اسلامی است. ب) تلمیحات ایرانی: که سرچشمه‌ی آن‌ها به فرهنگ پیش از اسلام باز می‌گردد (تلمیحات آریایی).

خ) تلمیحات سامی که شامل تلمیحات سامی اسلامی و تلمیحات سامی عربی است که دومی مربوط به فرهنگ دوره‌ی جاهلی عرب است.

«تلمیحات سامی اسلامی که به رجال اسلام مانند حضرت ختمی مرتبت یا به تفسیر قرآن (اسرائیلیات) مربوط می‌شود که بیش‌تر به تاریخ پیامبران قوم یهود اختصاص دارد»

(شمیسا، ۱۳۷۵: ۷)

د) تلمیحات یونانی و هندی که مربوط به رجال علم مانند بلیناس و هرمس است.

از علمش داده دهر محدث یک ثلث به هرمس مثلث شایان ذکر است که بعضی از این تلمیحات در طول زمان به دلایل متعددی از جمله تشابهات ظاهری با هم درآمیخته‌اند؛ مانند خلط تلمیحات سامی و ایرانی.

نمونه‌هایی از تلمیحات اسلامی:

پی ثنای محمد بر آر تیغ ضمیر که خاص بر قد او دوختند درغ ثنا سوگند می‌خورم به شهیدان کربلا بدتر ز سدّ آب بود قطع روشنی هم‌چو حسن ز دست غم جرعه‌ی زهر می‌کشم ای تریاق احمدی، کی تو به بوالحسن رسی؟ (مولوی)

نمونه‌هایی از تلمیحات ایرانی:

سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند احتمال نیش کردن واجب است از بهر نوش حمل کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست از آتش لهراسب نشان می‌دهد امروز سوزی که به خاکم ز تو در عظم رمیم است (غالب دهلوی)

نمونه‌هایی از تلمیحات سامی:

در آسمان نه عجب گر به گفته‌ی حافظ سماع زهره به رقص آورد مسیحا را چون خلیل آمد خیال یار من صورتش بت، معنی او بت‌شکن آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ پی کجاست خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن شرط اول قدم آن است که مجنون باشی (حافظ)

تلمیحات را می‌توان از منظر دیگری نیز نگریست و انواعی برای آن برشمرد:

۱. تلمیح اسطوره‌ای ۲. تاریخی
۳. دینی ۴. ادبی ۵. فولکوریک

۵. تلمیحات فولکوریک:

این‌گونه تلمیحات به افسانه‌های عامیانه و شفاهی و شخصیت‌های مربوط به آن‌ها مربوط می‌شود که از فرهنگ توده نشئت می‌گیرند.

چو روح باده عطر مست در اندیشه دارد دل
که امشب باز از یادت پری در شیشه دارد دل (اخوان)

آن شوخ پری روی که با ما جوشد
از ما چو پری روی چرا می‌پوشد؟ (نیما)

چنان‌چه در این‌جا دایره‌ی تلمیح را فراتر از آن‌چه تاکنون ذکر کرده‌ایم در نظر بگیریم، مشمول اشاراتی می‌شود که درک آن‌ها موجب فهم درست شعر، به ویژه اشعار معاصران است. شاعران امروز در ملاک‌های سنتی شعر قدمایی تصرفاتی کرده‌اند که ما ناچار به پذیرفتن آن‌ها هستیم. اشعار شاعران گذشته چون تابع سنت‌های ادبی‌اند، تصویر دقیقی از زندگی خصوصی و شخصی شاعر به دست نمی‌دهند. حال آن‌که شاعران امروز مسائل خصوصی و تجربیات شخصی خود را در جای جای اشعارشان به نمایش می‌گذارد. از این‌رو دریافت مفهوم شعر آنان مستلزم آگاهی از زندگی خصوصی آن‌هاست. برای مثال، وقتی سهراب سپهری می‌گوید:

و نیمه راه سفر روی ساحل جُمن/نشسته بودم/
و عکس تاج محل را در آب می‌دیدم/
دوام مرمری لحظه‌های اکسیری/
و پیش‌رفتنی حجم زندگی در مرگ.
دانستن نکات زیر به فهم معنای این شعر کمک زیادی می‌کند.
- تاج‌محل بنایی است در کنار رود جُمن.
- عکس بخشی از تاج محل در آب منعکس می‌شود.
- ساختمان تاج محل، که در واقع آرامگاه ممتاز حل است، از سنگ مرمر ساخته شده است.

با نگاهی کلی به مسیر تحول و دگرگونی تلمیح از گذشته تا به امروز درمی‌یابیم که این آرایه از صورت و شکل اولیه‌ی خود فاصله گرفته و در شعر معاصر با چهره‌ای نو نمایانده شده است. البته این بدان معنا نیست که تلمیح سنتی در شعر امروز بازتابی ندارد بلکه با دو ساخت سنتی و امروزی تجلی می‌یابد؛ از این‌رو، ما در این‌جا تلمیح را گسترده‌تر از معنای سنتی آن در نظر می‌گیریم.

۱. تلمیحات اسطوره‌ای:

منشأ پیدایی این تلمیح به اساطیر کهن بشری برمی‌گردد. اسطوره، تاریخ و فرهنگ پیش از تاریخ بشر است.

منم آن کاوه که تأیید فریدونی و بخت
طالب کوره و سندان شدنم نگذارند (خاقانی)

ایا به فر فریدون و سان و سیرت سام
ایا به چهر منوچهر و قوت قارن (معزی)

چو ماران ضحاک تیرش همی
نخواهد غذا جز همه مغز سر (عنصری)

۲. تلمیحات تاریخی:

این تلمیح، آن‌گونه که از نامش پیداست، منشأ تاریخی دارد: همیشه کشور دارا خراب اسکندر
هماره ملکت جم زیر چنگ چنگیز است
(از جدایی‌ها، حمید مصدق)

مست است زمین زیرا خورده ست به جای می
در کاس سر هر مز خون دل نوشروان (خاقانی)

۳. تلمیحات دینی و مذهبی:

دین و مذهب موجب آفرینش این‌گونه تلمیحات می‌شود. دوش دیدم که ملاتک در میخانه زدند
گل آدم بسرشتند و به پیمان ز دند (حافظ)

شیر چشید موسی از مادر خویش ناشتا
گفت که: «مادرت منم، میل به دایگان مکن» (مولوی)

گر بدی این فهم مرقابیل را
کی نهادی بر سر او هابیل را (مولوی)

بارها می‌خواستم از دل فغانی برکشم
در بیابان‌ها ولی پیدا نکردم چاه را (اخوان)

۴. تلمیحات ادبی:

دسته‌ای از تلمیحات‌اند که به حوادث و شخصیت‌های ادبی مربوط می‌شوند و معمولاً در داستان‌ها و آثار ادبی می‌آیند. البته ممکن است جنبه‌ی تاریخی هم داشته باشند. به هر حال، در این نوع تلمیحات، جنبه‌ی ادبی بر جنبه‌ی تاریخی غلبه دارد و اولویت با جنبه‌ی ادبی است.
بت من چه جای لیلی! که بریخت خون مجنون

بنابر آن چه گفته شد، می‌توانیم تلمیحات شعر امروز را به دو دسته‌ی کلی تقسیم کنیم. نویسنده‌ی کتاب «فرهنگ تلمیحات شعر معاصر» آن‌ها را به تلمیحات متحد و تلمیحات منفرد تقسیم کرده است.

۱. تلمیحات متحد:

تلمیحاتی هستند که از مجموعه‌ی اجزا و عناصر تلمیحی به وجود می‌آیند. از خصوصیات آن‌ها یکی آشکار بودن و وضوح است. این نوع تلمیحات در شعر امروز بازتاب همان تلمیحات مشهور شعر سنتی هستند. مثال:

نامده هرگز فرود از بام خویش

در فرازی شاهد اعدام خویش
داستان به صلیب کشیده شدن عیسای دروغین و عروج عیسای حقیقی را به آسمان مطرح می‌کند. چون اجزای سازنده‌ی تلمیح بسیار کم است، پی بردن به این تلمیح کمی دشوار می‌نماید. نکته‌ی مهم درباره‌ی تلمیحات متحد شعر سنتی آن است که همه‌ی اجزای آن وارد شعر نو نشده‌اند بلکه بعضی از آن‌ها کنار گذاشته شده و فقط بعضی اجازه‌ی ورود یافته‌اند. البته اجزایی نیز توسط شعر نو به مجموعه‌ی اجزای تلمیحات متحد شعر سنتی اضافه شده که در گذشته بازتابی در شعر نداشته‌اند؛ مثلاً در شعر زیر:

و اگر تاج خاری نیست / خودی هست که بر سر نهید/
و اگر صلیبی نیست که بر دوش کشید / تفنگی هست (شاملو)
تاجی از خار که یهودیان برای تحقیر بر سر عیسی (ع) نهادند.
به هر حال رواج اجزای نو در شعر، نوآوری در تلمیحات است و یکی از راه‌های زیایبی و گسترش تلمیح به‌شمار می‌رود.

۲. تلمیحات منفرد:

تلمیحات منفرد یا تلمیحات شخصی معمولاً فقط یک بار در هر شعر مطرح شده‌اند و ضمناً به زندگی خصوصی شاعران و وقایعی مربوط می‌شوند که یا برای شاعر اتفاق افتاده‌اند یا در زندگی او به نوعی اثر گذاشته‌اند.

شعر معاصر محل تاخت و تاز تلمیحات منفرد است؛ زیرا شاعران معاصر به طرح مسائل شخصی و فردی تمایل بیش‌تری نشان می‌دهند و این، سبب ایجاد تلمیحات منفرد می‌شود.

معمولاً چندین عنصر دستوری ساختار تلمیح را تشکیل می‌دهند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اسم، فعل، صفت و قید. اسامی خاص از عوامل اصلی ساختمان تلمیح، و فعل‌ها، قید و حرف‌ها از عوامل فرعی ساختمان این آرایه هستند. لذا عوامل اصلی، طرح کلی تلمیح و اسکلت‌بندی آن را به وجود می‌آورند و کار عوامل فرعی، پر کردن خلأهای بین این اسکلت و ایجاد ارتباط معنایی میان عناصر اصلی است.

ذکر تلمیح دیگری نیز در این‌جا ضروری و لازم است که آن را در اصطلاح «تلمیح مرکزی» نامیده‌اند. محمدی در این باره می‌نویسد: «تلمیحی است که در آثار یک شاعر خاص، دایم دور می‌زند و تکرار می‌شود. به عبارت دیگر، بسامد تکرار آن تلمیح در بین تلمیحات دیگرش کاملاً چشم‌گیر است.» بنابراین، تلمیح مرکزی برای مجموعه شعر یک شاعر می‌تواند موتیف به‌شمار آید. از دیدگاه روان‌شناسی، این نوع تلمیح با ناخودآگاه هر شاعر در ارتباط است و به‌طور غیرمستقیم علاقه‌ها، نفرت‌ها، خواسته‌ها و نخواست‌های او را برای ما آشکار می‌کند.

محمدی وضع کلی تلمیحات شعر نو را به سه گروه بزرگ زیر تقسیم می‌کند:

۱. تلمیحات مشترک:

که در شعر شاعران سنتی (کلاسیک) و شاعران نوپرداز عیناً و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی جریان دارد.
خضری مگر گذشته از این راه / آه این چه معجزه‌ست /
کز دور سبز می‌زند و جلوه می‌کند /
تنوار خشک و پیر سپیدار یار
(مثل درخت در شب باران)

۲. تلمیحات نیمه مشترک:

که ریشه در تلمیحات گذشتگان دارد ولی شاعران معاصر در آن‌ها دخل و تصرفاتی صورت داده‌اند.
از صف غوغای تماشاگران / العازر /
گام زنان راه خود گرفت /
دست‌ها / در پس پشت / به هم درافکنده /
و جانش را از آزار گران دینی گزنده / آزاد یافت /
- مگر خود نمی‌خواست ورنه می‌توانست (شاملو)
نقطه‌ی مشترک این شعر و شعر سنتی موضوع عازر است؛ یعنی، مردی که حضرت عیسی او را چهار روز پس از مرگش دوباره زنده کرد. در شعر شاملو حرفی از قول عازر نقل شده: «مگر خود نمی‌خواست ورنه می‌توانست» که در شعر گذشتگان هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. از سوی دیگر، آمدن عازر برای تماشای مسیح نیز بازتابی در شعر پیشینیان ندارد.

۳. تلمیحات نو:

که هیچ سابقه‌ای در شعر سنتی فارسی ندارند و نو هستند. مثال درباره‌ی «ارنستوچه گوارا» انقلابی معروف آرژانتینی:
امشب / در خیمه‌ی مجنون دل‌تنگ کدامین دشت /
بر توسنی دیگر برای مرگ شیرین «گوارایی» /
زین و براق و برگ می‌بندد. (شفیعی کدکنی)
کارکرد عمده‌ی تلمیحات جدید، غنی‌تر کردن تلمیحات شعر فارسی و افزودن به دایره‌ی تلمیحات شعر سنتی است.

ریشه‌یابی این تلمیحات نشان می‌دهد که خلق و آفرینش آن‌ها متأثر از عوامل گوناگونی است که ما به چند مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) ارتباطات فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف و تأثیرات متقابل فرهنگ‌ها بر روی یکدیگر.

در شعر زیر، علاوه بر تلمیح حضرت مسیح (باغ جتسمانی) به باغی که پدر هاملت در هنگام استراحت در آن جا به دست برادرش به قتل رسیده است، اشاره می‌کند.

پدرم مگر به باغ جتسمانی خفته بود/
که نقش من میراث اعتماد فریب کار اوست/
و بستر فریب او/ کام‌گاه عمومی (شاملو)

یا در شعر زیر سپهری به بودا اشاره دارد:
من رفته، او رفته، ما بی ما شده بود
زیبایی تنها شده بود

هر رودی دریا/ هر بودی بودا شده بود (سپهری)

ب) تأثیرات وقایع اجتماعی و سیاسی:
در شعر زیر علاوه بر تلمیح سهراب و سیاوش، به غلامرضا تختی، کشتی‌گیر جوان‌مرد و آزاده‌ی دوران معاصر، اشاره دارد.

این گلیم تیره‌بختی هاست
خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها
روکش تابوت تختی هاست (اخوان)

پ) در نتیجه‌ی انعکاس زندگی خصوصی شاعران در شعر:
مادرم در خواب است

و منوچهر و پروانه و شاید همه‌ی مردم شهر (سپهری)
در این شعر به نام برادر و خواهر سپهری اشاره شده است.

ت) پیشرفت علوم مختلف و آشنایی شاعر با آن علوم یا بخشی از آن‌ها.

آینه‌ای برابر آینه‌ات می‌گذارم
تا از تو/ ابدیتی بسازم (شاملو)
در این جا شاملو به یک قانون مهم علم فیزیک با نام قانون آینه‌ها اشاره می‌کند. اگر دو آینه را در مقابل هم قرار دهیم، تعداد تصاویر داخل آن‌ها بی‌نهایت می‌شود.

واژه‌ها خودبه‌خود و به تنهایی حامل بار تلمیحی نیستند بلکه قرار گرفتن آن‌ها روی یک محور هم‌نشینی با واژه‌های دیگر موجب می‌شود که آن‌ها دارای بار تلمیحی شوند.

روشنی و وضوح تلمیح به عوامل زیر بستگی دارد.
اولاً تعداد اجزای آن بیشتر تر باشد.
ثانیاً اجزا اصلی‌تر باشد.
ثالثاً میان اجزا ارتباط قوی باشد.

میزان به‌کارگیری تلمیح در شعر شاعران متفاوت است. ضمناً نوع تلمیحات هم ممکن است در اشعار شاعران تفاوت داشته باشد اما به‌طور کلی، تلمیحاتی از قبیل تلمیحات عرفانی، حماسی، مکانی، اعلام، مذهبی، عامیانه، سیاسی، خانوادگی و جهانی در شعر شاعرانی مانند اخوان، سپهری، شاملو، شفیعی کدکنی و فروغ به وضوح و در شعر نیما کم و بیش مشاهده می‌شود.

البته نیما قلت تلمیحات سنتی را با استفاده از تلمیحات محلی و جغرافیایی در شعرش جبران می‌کند و در آن به نام‌های جغرافیایی، کوه‌ها، دره‌ها، رودها و نیز عقاید محلی و بومی اشاره دارد.

کلام پایانی در مورد تلمیح این‌که آرایه‌ی پیش‌گفته، هم به سخن شاعر ژرفا می‌بخشد و هم موجب برانگیختگی ذهن خواننده می‌شود و دانسته‌های فراموش شده‌اش را یک‌بار دیگر به یادش می‌آورد.

«مایه‌ی تلمیحی در شعر سنتی که تا حدی یک‌نواخت و کلیشه‌ای نیز است، بیش‌تر برگرفته از داستان‌های مذهبی و ملی است اما در عصر ما رواج ادبیات داستانی از یک‌سو و آشنایی شعرا با مقولات دیگر فرهنگ‌ها از سوی دیگر زمینه‌ای فراهم آورده تا مایه‌های تلمیحی شعر معاصر رنگ و روپی دیگر بگیرد.» (راستگو، ۱۳۸۲: ۳۰۰)
در خاتمه، خوانندگان گرانمایه را به شعری از سهیل محمودی دعوت می‌کنم که از بیت نخست تا بیت پایانی حاوی تلمیح است.

زمانه خالی از اسطوره‌ها ماند
زمین در حسرت یک پوریا ماند
بیا در حسرت یک گل بگرییم
کمی با یاد داش اکل بگرییم
کجایند آن همه مردان کجایند
خدایا قیصر و فرمان کجایند
به خون خفتند در خواب محله
جوان مردان قصاب محله
در این شب‌ها که از آن سردتر نیست
کسی از روح مرگان مردتر نیست
دلیم از سوک و از شیون بری باد
دلی سرشار از عشق زری باد
دلی از عشق مالامال دارم
خیال دیدن مارال دارم (محمودی)

بیت ۱: اشاره به پهلوان محمود خوارزمی (پوریای ولی).
بیت ۲: «داش اکل»، قهرمان داستانی به همین نام از صادق هدایت.
بیت ۳: اشاره به قیصر و فرمان دو قهرمان فیلم «قیصر» از مسعود کیمیایی.

میزان به‌کارگیری تلمیح در شعر شاعران متفاوت است. ضمناً نوع تلمیحات هم ممکن است در اشعار شاعران متفاوت داشته باشد اما به‌طور کلی، تلمیحاتی از قبیل تلمیحات عرفانی، حماسی، مکانی، اعلام، مذهبی، عامیانه، سیاسی، خانوادگی و جهانی در شعر شاعرانی مانند اخوان، سپهری، شاملو، شفیعی کدکنی و فروغ به وضوح و در شعر نیما کم و بیش مشاهده می‌شود